سلام بر برادر عزيز وهاب
از لطف شما سپاس گذارم
ببخشيد اگر جواب دير شد! گرفتاري و ...! شرمنده
نميدانم محسن خاتمي جواب شما را داده است يا خير!
البته كمي سخت است پاسخ شما را دادن! چون بنده آنجا نبودم در آن لحظه و نميدانم واقعا بر چه اساس اينچنين گفته است!
ولي مهمترين عامل آن همان تناقض گويي هايش هست! مانند بودا كه يك سال قبل از مرگش بسيار بد او را كوبيد!!
دليل اصلي اينكار ميتواند بر آشفتن ذهن باشد و در حالتي مانند برزخ قرار دهد مخاطب خود را تا آنچه را كه ميخواهد به او انتقال دهد!
اشو از يك انسان فردي مي‌سازد تقريبا بدون تعصب! بدون باور و ايمان و دين و....! تقريبا يك نوزاد ميسازد! و شما را خالي و پوچ ميكند و سپس ...
البته خود اشو در جايي از صحبت هايش گفته كه من اينكار را مخصوصا ميكنم! زيرا با اينكار آنهايي كه دنباله رو و متعصب يك مذهب و سيستم خاص هستند سريعا اينجا را ترك ميكنند و طاقت شنيدن اين گونه حرفها را ندارند! پس انرژي بيشتري حفظ ميشود و اين انرژي به طور شايسته در مسير صحيح قرار مي‌گيرد تا هركس كه مشتاق است اين انرژي او را متحول كند!
در جايي ديگر باز سخني شبيه حرف بالا دارد كه كسي از او سوال ميكند راجع به غيب شدن! كه در جواب ميگويد اون غيب شدن كه مد نظر شما هست خير! ولي مثلا آنها كه مسيحي هستيد! اگر قلبا با من نباشند، اگر توهين كنم سريعا از اينجا دور ميشوند! و آنها كه بودايي هستند همينطور و ....! من همينجا هستم! ولي از ديد آنها مخفي شده ام و دور من را تعداد اندك ولي مشتاق تشكيل ميدهند
و دليل آخر هم ميتوان گفت كلا اشو طوري آينده را برنامه ريزي كرد كه همانطور كه خودش گفته، هيچ ردي از خودم براي محققين باقي نميگذارم و هركسي بخواهد راه من را برود و با استناد به من موعظه كند و ... گور خودش رو كنده! و تقريبا طوري اومد و رفت كه واقعا قضاوت راجع به او بسيار سخت است!
اشو راه هموار و مناسبي هم جلوي پاي سانياسين خود نميگذارد! البته تا زماني كه خودش بود و اگر شما آنجا بوديد وضع بسيار فرق داشت! اما وقتي رفت، هيچ مسئوليتي نسبت به آيندگان نداشت! و ميشود گفت تقريبا آنها (عاشقان خود را) به حال خود رها كرد و تنها منبع قابل دسترسي همين كتاب ها با انواع ويرايش ها و سانسور ها و چندين فيلم و سخنراني هاي صوتي هستند!! و شايد اگر خيلي عاشق باشيد بعضي جاها كمكي احساس كنيد!! اونم شايد!!!
ولي در آخر اينكه خدا هم به شما احساس داده و هم عقل و هم خرد و هم ...! تمام كار اشو اين است اين احساس ها را درك كنيد و شما رئيس عقل و قلب و ... باشيد! نه آنها بر شما غالب بشند! پس بهتر است شما هرجا متوجه شديد اين راه بهتر است و يا صحيح تر است و ... آن را انتخاب كنيد! اگر راجع به قرآن بد گفته! شايد يه بار بد گفته! صد بار خوب گفته! اما آن يه بار به آن صد بار خوبي چرب تر است!!! چون تماميت ذهن ما شكاك است و بيشتر دنبال منفي ها است! حال به گفته اشو كار ندارم! به گفته مسلمانان (از خدا بي خبران!!) كاري ندارم! ولي نظر قلبيه شما نسبت به قرآن چيست!؟ بنده به شخصه مطالب بسيار خاصي از قرآن ديدم و اينكه اشو بگويد اين كتاب آشغال است يا بهشت است فرقي به حالم نميكند!! مهم اين است كه بنده يه سري چيزها بهم ثابت شده! البته شايد صد در صد هم نگم عاليه و يا ضعف نداره و...! اين هم يك كتاب هست، ولي اونقدر ها بي ارزش نيست! حداقل ميتوانم بگويم جزو پنج كتاب ارزشمند دنياست!
اميدوارم اگر جواب سوال خود را نگرفته باشيد، حداقل شايد بعضي از شبهات ذهني راجع به اشو برايتان باز شود!
موفق و سلامت و شاداب باشيد
شب و روزتان خوش
هـــــــــو

به نام او

استاد گرانقدر به شما و روح بلندتان سلام مي فرستم

رفته رفته مي توانم علت تناقض گويي هاي او را دريابم تصـوري که از اشو در ذهن داشتم به کلي ويـران شـده بـود و حـتي در دلم به او فحش مي دادم اما پاسخ شـما و آقـاي خـاتمي چـون آبي بـود که بر آتش احساسـات من مي ريخت البته من انتظـاري از اشو نداشـــتم که در مـــورد محمد يا عيسي چـــيزي بگويد اما غافل از اين تکنيک او در تناقض گويي در اين فکر بودم که اين مردي که اينقدر به مسـائل به صـورت ريشـه‌اي و عميق نگاه مي کند چگونه دچار تناقض گويي آشـکار شـده اسـت؟ اما هيچ گـاه به حـالت رواني خود توجه نمي کردم که چگونه طغيان کـرده بـود و تمـام آن انديشه هـاي نـاب و اصيل اشو را به فراموشي سپرده بود آنهم به خـاطر يک ديـدگاه. به هر صـورت از شـما ممنونم

بله اشو نمي توانست تاثير معاني عميق قرآن را بر صوفيان و عرفا ناديـده بنگـارد و از کنار آنها به سادگي عبـور کند و البته با توجه به تـاريخ بي سر و تهي که ما داريم و معلوم نيست که چه کساني با چه انگيزه‌هايي آن را بر ساخته‌اند و اسـلامي که با اسـلام محمد فرسنگها فاصله دارد اگر اشو غير از اين مي گفت جاي تعجب داشت. بله اشو در مورد محمدي سخن مي گويد که در کتابهاي موجـود در نـزد او توصـيف شـده بـود نه آن محمدي که واقعا وجود داشـت. (حـتي خـود آقـاي خـاتمي همـانطور که فرمودند با سـختي وسنگيني بسيار آن مطالب اشو را در مورد قرآن ترجمه کردند)

من به هيچ وجه انتظار توصيفهاي فوق بشري در مورد محمد نـدارم و به راحـتي مي پذيرم که اوبه معناي واقعي کلمه يک انسان بود که در ميان انسانهاي جاهل و بي خردي ظهور کرده بود که توانايي هضم سخنان او را نداشتند و او مجبور بود که به اندازه عقل و شـعور انها سـخن بگويـد. و جـالب است که دين محمد جـزو معـدود دينهـايي است که شخص در آن مدخليتي نـدارد به خلاف مسـحيت که عيسي و مـريم به عنـوان بتهـايي در کليسا عبادت مي شوند

پايان نامه کارشناسي ارشد خود را مزين به سخنان اشو کردم و هر جا مي توانسـتم و امکان آن وجـود داشت نـام اشو را بـردم و با اينکه تـرس داشـتم نمـره عـالي گـرفتم شايد اگر افکار و انديشه هاي او نبود نمي توانستم در مورد تاويل و خاسـتگاه آن چـيزي بنويسم. و از همه مهمتر پايان نامه زندگي ام مزين به انديشه هاي اشو است و در جـاي جاي آن مصاديق سخنان او را مي يابم

من به حکم متولد شدن از پـدر و مـادري مسـلمان و البته دانشـمند و صـاحب نظـر، مسلمان هستم و با افکار و انديشه‌هاي اسلامي و بالاخص شيعي آشنا هستم و پاي درس بسياري از عرفا حضور يافته ام و برخي مواقع به اسـاتيد خـود شک مي کـردم که مبـادا از روي کتابهاي اشو مطالب خود را بيان مي دارند و يا با انديشـه‌هاي او اشـنا هسـتند و بالاخر ه با کمک اشو فهميدم که عرفـان نـوعي شـناخت است و به دين و مـذهب کـاري ندارد. حقيقت متعالي خود را بر زبان هر کسي جاري مي دارد.

من اعتقـادي به خـداي مسـلمانان و مسـيحيان و يهوديـان نـدارم خـداي آنها متشـخص است و هـزار و يک اشـکال بر او وارد است اما من اعتقـاد به جـان جهـان دارم چـيزي شبيه به انديشه بوداييان در مورد خدا و معتقدم که قرآن اگر چه سـخن پيـامبر است اما به کمک آن جان جهان نگاشته شده است و او چـون ني‌اي در دسـتان آن حقيقت بـود و صد البته ميتـوان از روي آن شـرايط تاسف بـار و نـاراحت کننـده مردمـان عصر او را دريافت و بر محمد رحمت اورد که چه مي کشيده است .

بله اين مسلمانان که شما از آنها ياد مي کنيد نه تنها از خدا بي خبرند بلکه دشمن خدا نيز هستند مسلماني معلل و نه مـدلل به هيچ درد نمي خـورد مسـلماناني که هيچ از مسلماني نمي دانند و به جرات مي تـوان گفت که اسـلام شناسـان و مسـلمان از تعـداد انگشتان دست تجاوز نمي کنند.

شما علامه طباطبايي را مي شناسيد شايد باور نکنيد اگر بگـويم بـرخي از کتابهـاي او هنوز چاپ نشده است و علت آن هم ترس از همين قمـاش مسـلمانان نفهم وبي شـعور باشد علامه کسي بـود که وقـتي کتـاب تـائو ت چينگ را بـراي او ترجمه کردند گفت اين مهمترين رساله عرفاني است که تا به حال خوانده‌ام و بـراي شـاگرش پهلـواني تهـراني آن را شرح کرد اما شاگردان او و تا اکنون جرات انتشـار آن را نيافته اند . مسـلماناني که عرفا را جـزو انسـانهاي نجس قلمـداد مي کنند و... حـال در ايـران اوضـاع بهـتر از سـاير

کشورهاست اگر به تاجيکستان رفته باشيد مي بينيد که مردم در اسارت اين مدعيان مسلماني گرفتارند

همين سخنان را کم و بيش در مورد آقاي خميني هم مي توانم بزنم چرا که به گوش خودم از زبان برخي عالمان در مشهد شنيدم که به او به خاطر افکار عرفاني‌اش فحش و ناسزا بار مي کردند و هنوز که هنوز است ادامه دارد.

اما نمي توان با يک چوب همه را زد يادم مي آيد به يکي از اساتيد حوزه و مبلغان بزرگ کتاب راز ترجمه استاد خاتمي را هديه دادم بعد از مدتي به من زنگ زد که اين مرد اگر چه مسلمان نيست اما يک مسلمان واقعي است و ما اصلا مسلمان نيستيم او ميگفت که بخشهايي از اين کتاب را براي بسياري از دوستانش بازگو کرده است. و اين کتاب خواب را از او برده است. به هر صورت خداوند همه را به سوي خود مي کشد خواه کساني که برچسب مسلماني بر خود زده‌اند و خواه پيروان اديان ديگر.

سر شما را به درد نياورم من به همان اندازه که کتاب بهودگيتا و اوپانيشاد را محترم مي دانم به قرآن هم علاقه دارم و معتقدم که هيچ کدام از اينها سرچشمه‌اي زميني نداشته‌اند همانقدر که به بوديسم علاقه دارم به اسلامي حقيقي و خالي از آشغالهاي ريخته شده در جيب او علاقه دارم. و به طور کلي نظام فکري من وابسته به اشخاص نيست و دين و مذهب را از اشخاص و باورهاي آنان نمي گيرم

از اينکه تا اينجا سخنان مرا خوانديد منت بزرگي بر من نهاديد

در پناه قادر متعال باشيد